

باسمه تعالی

مقدمه واجب..... ۱**ثمره بین وجوب مقدمه موصله و اهمال مقدمه**..... ۱

۱..... منوط بودن حکم به حرمت مقدمه به بحث ترتب بنا بر مسلک اهمال

۲..... بررسی جهاتی از کلمات مرحوم نائینی

۳..... جهت اول: نیاز نداشتن به ترتب برای ثبوت حرمت مقدمه بنا بر اهمال مقدمه

۳..... دوم: وارد نبودن اشکال مرحوم نائینی به مرحوم صاحب حاشیه

۳..... سوم: تالی فاسد داشتن تصویر ترتب مرحوم نائینی

۴..... تالی فاسد داشتن تصویر ترتب مرحوم نائینی

موضوع: بررسی کلام مرحوم نائینی / ثمره بین وجوب مقدمه موصله و مقدمه مهمله / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ثمره وجوب مطلق مقدمه و مسلک اهمال مقدمه بود. ادعا شده بود که بنا بر وجوب مقدمه موصله، برای حرمت مقدمه، نیاز به ترتب نداریم و بنا بر مسلک اهمال، برای حرمت مقدمه، نیاز به ترتب داریم. در این جلسه به بررسی این ثمره پرداخته می‌شود.

مقدمه واجب**ثمره بین وجوب مقدمه موصله و اهمال مقدمه****منوط بودن حکم به حرمت مقدمه به بحث ترتب بنا بر مسلک اهمال**

بحث در مورد ثمره مسلک اهمال و مقدمه موصله بود. عمده کلام مرحوم نائینی این بود که بنا بر وجوب مقدمه موصله اگر ما فعل اهمی داشتیم و آن اهم ترک شد، مقدمه حکم اولی خودش را پیدا می‌کند. مثلاً ترک صلات مقدمه ازاله است بنا بر مقدمه موصله، اگر مکلف ترک صلات نکرد و صلات را اتیان کرد، فعل صلات همان حکم اولیه را دارد. در محل کلام نیز گفته می‌شود: بنا بر وجوب مقدمه موصله اگر مکلف وارد ملک غیر شد و انقاز غریق نکرد، ورود مکلف در ملک غیر حرام است. اما

اگر انقاز کرد، مصداق واجب است. اما بنا بر اهمال ما نمی‌توانیم بگوییم این تصرف در ملک غیر حرمت دارد؛ چون مقدمه مهمل است.

پس تقیید به موصله نیاز به ترتب ندارد؛ ولی قائل به اهمال، نیاز به ترتب دارد. مرحوم نائینی به صاحب حاشیه نسبت داده است که ایشان حرمت تصرف در مال غیر را مترتب بر عصیان مقدمه کرده است و حرمت مقدمه را مترتب بر عصیان امر به مقدمه کرده است.

بعد مرحوم نائینی فرموده است: «ما ترتب را قبول داریم؛ ولی ترتبی که شما در این جا مطرح می‌کنید، صحیح نیست؛ زیرا میزان ترتب این است که دو موضوع داشته باشیم. مثل ترک ازاله که یک موضوع است و فعل صلات که موضوع دیگری است. اما اگر یک فعل داشتیم، جای ترتب نیست. لذا در محل بحث گفته می‌شود: ترتب حرمت مقدمه بر عصیان امر مقدمه، اشتباه است. معنا ندارد که مولا بگوید: برای انقاز غریق تصرف در ملک غیر کنید و بعد بگوید: اگر عصیان این امر شد، تصرف در ملک غیر حرام است.» (صحیح نیست که مثلاً مولا امر به حرکت به نحو مهمل کرده است و بعد بگوید اگر این امر مهمل عصیان شد، این حرکت حرام است)

اساس ادعای مرحوم نائینی این است که ترتب حرمت مقدمه بر همان فعلی که امر دارد، معنا ندارد؛ یعنی معنا ندارد که به مقدمه امر کند و دوباره بگوید: اگر مخالفت کردی حرام است؛ چون وقتی که مقدمه مخالفت می‌شود، فی نفسه حرمت وجود دارد.

در ادامه مرحوم نائینی فرموده است: «ما ثمره را قبول داریم؛ اما ترتبی که در ما نحن فیه مجال دارد، این گونه است: مثلاً مولا گفته است: انقاز غریق کن و اگر انقاز غریق نکردی، مقدمه حرام است؛ یعنی حرمت مقدمه، مترتب بر مخالفت ذی المقدمه شده است، نه این که حرمت مقدمه مترتب بر عصیان مقدمه باشد.

بررسی جهاتی از کلمات مرحوم نائینی

جهاتی از بحث در این مطالبی که مرحوم نائینی فرموده است، وجود دارد.

۱ اجود التقريرات، نائینی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲ اجود التقريرات، نائینی، ج ۱، ص ۲۴۳.

جهت اول: نیاز نداشتن به ترتب برای ثبوت حرمت مقدمه بنا بر اهمال مقدمه

به نظر ما بنا بر اهمال نیاز به ترتب نداریم. ما بر فرض اهمال، می‌گوییم: دخول در ملک غیر عند ترک انقاز، حرام است، بدون این که نیازی به ترتب داشته باشیم. ترتب در جایی است که بین دو تکلیف تراحم وجود داشته باشد. دعوت‌ها (اهم و مهم) با هم تراحم دارند و مکلف یک قدرت بیشتر ندارد. در حقیقت در باب ترتب دعوت هر کدام از اهم و مهم فی حد نفسه تمام است و مکلف قدرت بر امتثال دو دعوت ندارد.

ادعای ما این است که بنا بر اهمال مقدمه، نسبت به جایی که مقدمه موصله نیست، دعوت ندارد. چیزی که دعوت به مقدمه غیر موصله دارد، وجوب مطلق مقدمه است و چیزی که مهمل است، قدر متیقن آن دعوت به موصله است (زیرا در غیر این صورت مقدمه لغو است) و اگر موصله نشد، اهمال دارد و دعوت به مقدمه غیر موصله ندارد و تراحمی در کار نیست؛ پس نیازی به ترتب نداریم. مثلاً یک خطاب داریم که تصرف در مال غیر حرام است و اگر مقدمه موصله باشد، این خطاب تخصیص زده شده است و اما در جایی که موصله نیست (اگر مطلق مقدمه واجب باشد تعارض رخ می‌دهد. این بحث در آینده مطرح می‌شود) اگر مقدمه مهمل بود، تراحمی با خطاب حرمت ندارد. زیرا خطاب حرمت، فعلیت دارد و مقدمه مهمل است.

دوم: وارد نبودن اشکال مرحوم نائینی به مرحوم صاحب حاشیه

به نظر ما اشکال مرحوم نائینی بر مرحوم صاحب حاشیه صحیح نیست؛ زیرا شاید مراد مرحوم صاحب حاشیه که فرموده است ترتب نیاز داریم، ترتب اصطلاحی نیست. ممکن است مراد ایشان ترتب لغوی باشد. صاحب حاشیه می‌گوید: وقتی مولا اهمی را واجب کرد و بعد به خاطر اهم، مقدمه را واجب کرد، بعد که مکلف انقاز را اتیان نکرد، مولا حکم به حرمت مقدمه می‌کند؛ یعنی تحریم مترتب بر عصیان امر به مقدمه نیست؛ بلکه مترتب بر عدم تأمین غرض مولا است؛ پس اشکال مرحوم نائینی وارد نیست.

سوم: نالی فاسد داشتن تصویر ترتب مرحوم نائینی

مرحوم نائینی فرمود: ترتبی که در این جا می‌توان تصویر کرد این است که حرمت مقدمه مترتب بر عصیان ذی المقدمه است. مرحوم خوبی فرموده است: این تصویر نیز غیر معقول است؛ زیرا معنای آن عصیت الانقاز فالتصرف حرام این است که وقتی ذی المقدمه واجب می‌شود که مقدمه جایز و مباح باشد و وقتی مقدمه جایز است که ذی المقدمه عصیان نشود. لازمه این

موضوع عام: ثمره بین وجوب مقدمه موصله و مقدمه مهمله مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی کلام مرحوم نائینی

مطلب این است که اولاً طلب حاصل لازم بیاید و ثانیاً جواز ترک ماموریه بدون عذر لازم بیاید؛ زیرا شرط آن به اختیار مکلف است. اگر اتیان به انقاز کند، مقدمه مباح است و ماموریه واجب است و الا مامور به واجب نیست.

تالی فاسد نداشتن تصویر ترتب مرحوم نائینی

به نظر ما اشکال مرحوم خویی بر مرحوم نائینی وارد نیست. هر چند که وجوب انقاز مشروط است؛ ولی چون شرطش را باید تحصیل کند این اشکال مرتفع می شود؛ یعنی وقتی که شارع دستور به اتیان ذی المقدمه می دهد، مکلف قدرت بر اتیان را دارد زیرا می تواند مصداق مباح را انتخاب کند. اگر انتخاب مقدمه مباح مقدور مکلف است، وجوب مشروط به اتیان مکلف نمی شود. ادامه بحث در جلسه آینده.